

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

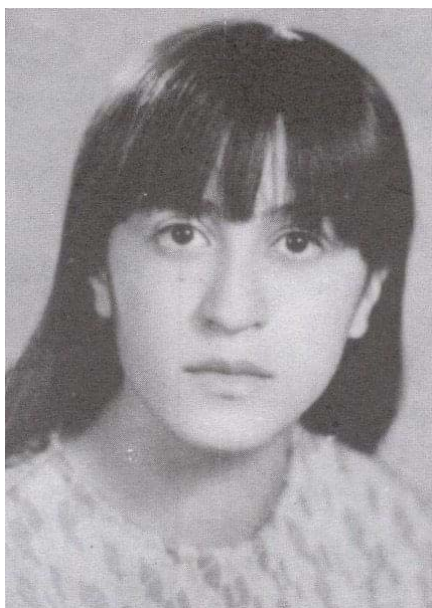
Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۰۷ فبروری ۲۰۲۱

گرامی باد خاطره و راه چریک فدائی خلق، رفیق فاطمه نهانی



رفیق فاطمه (شمسی) نهانی، زنی آزاده از سلاله چریکهای فدائی خلق ایران بود که در سال ۱۳۲۸ در تهران چشم به جهان گشوده بود. زن رزمنده کمونیستی که دستانش را رنج و درد کارگران و فقر و فلاکت مردم ستمدیده برای در دست گرفتن سلاح به منظور تغییر وضع اسارتیار آنان، پرورده بود. زنی که همه وجودش را خشم و نفرت از ظلم و ستم انباشته بود. رفیق شمسی پس از پایان تحصیلات متوسطه خود وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در رشته تاریخ شد و این در شرایطی بود که با رستاخیز سیاهکل و آغاز جنبش مسلحانه در ایران، تاریخ این مرز و بوم ورق خورده بود. مبارزات چریکهای فدائی خلق فضای سیاسی جامعه را دگرگون نموده و به خصوص حضور زنان دلیر و آگاه در این جریان به افکار و اندیشه های پوسیده در رابطه با

زنان و نقش آن ها در اجتماع ضربه زده و در خدمت پاره کردن زنجیر های اسارت زنان قرار گرفته بود. مبارزات زنان کمونیستی چون رفقاء مهنوش ابراهیمی، پوران یداللهی، مرضیه احمدی اسکوئی و شیرین معاضد (فضیلت کلام) و... پیام روشنی به همه زنان آگاهی بود که برای رسیدن به آزادی و درهم دریدن زنجیر های اسارت بورژوازی وابسته، باید سلاح برگرفته و به جنبش مسلحانه بپیوندند. به همین دلیل هم رفیق فاطمه (شمسی) ضمن شرکت در مبارزات دانشجویی و آشنائی با دانشجویان هوادار چریکهای فدائی خلق، خیلی زود در جریان پیمودن راه آزادی کارگران و ستمدیدگان از قید ظلم و ستم به سازمان فدائی پیوست.

در آن زمان، سازمان در تلاش جهت گسترش صفوف خود به مازندران بود. تلاشی که با شهادت رفیق کبیر علی اکبر جعفری یکی از رهبران خستگی ناپذیر سازمان در اردیبهشت [ثور] ۵۴ دچار وقفه شد و سپس بار دیگر با تلاشهای رفیق بهمن روحی آهنگرانی روند جدیدی پیدا نمود. در سازماندهی جدید (حدود تابستان ۵۴) رفیق شمسی مسؤول یک

تیم کارگری در شاهی (قائم شهر) شد و همچنین با رفیق زهرا آقا نبی قلعه‌کی در ساری و پایگاه سازمان در این شهر با نام مستعار فران نیز در ارتباط قرار داشت.

در دی ماه [جدی] ۱۳۵۴، ساواک موفق به دستگیری مسؤول شاخهٔ مازندران که رفیق بهمن روحی آهنگرانی بود، گشت. در ۱۷ دی [جدی] ۵۴، گشت های کمیتهٔ ضد خرابکاری که خائنی به نام احمد رضا کریمی، آن ها را همراهی می کرد در خیابان سی متری نارمک در تهران، رفیق بهمن روحی آهنگرانی را شناسائی و دستگیر کردند. رفیق بهمن را به دلیل استفاده از سیانور به بیمارستان شهربانی برده و سپس به زیر شکنجه کشیدند که در نتیجهٔ همین شکنجه های وحشیانه در ۲۳ دی ماه [جدی]، رفیق بهمن روحی آهنگرانی در زیر شکنجه های مزدوران ساواک به شهادت رسید، یعنی رفیق بهمن پس از دستگیری و قرار گرفتن در چنگ دژخیمان رژیم شاه، تنها ۶ روز زنده ماند. متأسفانه با دستگیری رفیق بهمن، دفترچهٔ رمز و برخی نوشتجات وی به دست ساواک افتاد. در گزارش ساواک در این زمینه آمده است که "در مدارک مکشوفه از وی (منظور رفیق بهمن می باشد) قرار ملاقات او با دختری به نام فران در ساری مشخص شد".

به این ترتیب نیرو های امنیتی رژیم سرکوبگر شاه به محل علامت گذاری قرار یکی از رفقاء که کسی جز رفیق شمسی نبود پی بردند. آنها با کنترل منطقه که در مقابل سینمای سپهر ساری بود با مشاهدهٔ رفیق فاطمه (شمسی) در جهت دستگیری وی بر آمدند که رفیق متقابلاً با آن ها درگیر و نارنجک خود را منفجر نمود. با این عمل، رفیق شمسی اوج از جان گذشتگی و اعتلای آگاهی خود به عنوان یک فدائی کمونیست و به ویژه به مثابه یک زن انقلابی را در مقابل چشمان وحشت زدهٔ مزدوران رژیم و توده های رنجبر به نمایش گذارد. به این ترتیب در ۲۱ دی ماه [جدی] ۱۳۵۴ حدود ساعت ۳ بعد از ظهر، چریکهای فدائی خلق، یار و رفیق همیشه زندهٔ خود فاطمه (شمسی) نهانی و طبقهٔ کارگر ما یکی از پاکبخته ترین رهروانش را برای همیشه از دست دادند.

یاد رفیق فاطمه نهانی، گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۵۸، دی ماه [جدی] ۱۳۹۹